

تهاجم فرهنگی و راهکارهای مقابله با آن

پیشگفتار:

فرهنگ از مقولات سهل و ممتنع است که هم می توان برخورد سطحی و صوری با آن کرد و هم می توان به ذات معنایی و لایه های تو در تو، پیچیده و ظریف آن نظر افکند. هم می توان به مثابه یک ناظر صرف، از بیرون به آن نگریست و درباره آن به داوری نشست و هم می توان به عنوان یک ناظر بازیگر به اعماق و لایه های درونی آن دست یافت. اگر فرهنگ را " معرفت مشترک" تعریف کنیم و لایه های آن را از عمیق ترین تا سطحی ترین لایه به ترتیب جهان بینی، ارزش، هنجار، نماد، تکنولوژی مادی (مهارت به کارگیری و ساخت اشیاء) و تکنولوژی اجتماعی (مدیریت و سازماندهی اجتماعی) بدانیم، به طور قطع، فهم و درک عمیق لایه های گوناگون فرهنگ، روش شناسی متناظر و متناسب با خود را می طلبد و این امر مستلزم شناخت پارادایم های شناخت شناسی، مفروضات هستی شنانختی آنها و اطلاع از توانمندی تکنیک های هر کدام از این روش شناسی هاست.

با هر پارادایم و تکنیکی نمی توان به لایه های زیرین فرهنگ، به ویژه در سطوح جهان بینی و ارزش ها دست یافت مقاله فرهنگ شناسی، ضمن مرور بر تعاریف مختلف فرهنگ (عمومی) و ارائه تعریف پیشنهادی به بحث در مورد نحله های گوناگون

شناخت شناسی و ملزومات هستی شناختی و تناسب آنها برای مطالعه فرهنگ می پردازد.

بدون تردید توجه به فرهنگ و هویت فرهنگی و تاریخی به عنوان عمیق ترین لایه نظام اجتماعی در تحولات و دگرگونی های اجتماعی و سیاستگذاری ها و رفتارهای اجتماعی لازمه پویایی و بقاء یک نظام اجتماعی است. تاریخ یکصد ساله ایران گواهی است روش بر اهمیت فرهنگ و هویت دینی و تأثیر آن بر میزان موفقیت سیاست های اقتصادی، فرهنگی و حتی برنامه های سیاسی هر زمان بیگانه با فرهنگ و هویت این مرز و بوم بوده ایم ، حاصلی جز ناکامی و شکست نداشته ایم. همان گونه که اشاره شد دست یابی به حاق و ذات بنیادین فرهنگ نیز کاری سهل الوصول نبوده و نیازمند روش شناسی مناسب و تحقیقات بنیادین و گسترده است.

مقاله تاملی بر نقش نهادهای مردمی در همبستگی اجتماعی، ضمن ریشه یابی یکی از مؤلفه های فرهنگ، یعنی هنجارها و نهادهای اجتماعی و مرور بر کارکردها و تنوع آنها به نقش تعیین کننده آنها در ایجاد همبستگی اجتماعی و تحکیم هویت اجتماعی در سطوح مختلف می پردازد. تعامل و تعاطی فرهنگ و جامعه و ارتباطات فرافرهنگی و فراجامعه ای یکی دیگر از محورهای این مقاله است که ناظر به تغییر و تحول

نهادهای اجتماعی و معنادار بودن این تغییر و تحول برای گروه‌ها و اقشار مختلف است.

این مقاله ضمن پرداختن به تعریف خرده فرهنگها و عوامل پیدایی و تنوع آنها، عامل انسانی دست‌یابی به وفاق اجتماعی و پایدار را در توجه به حق اجتماعی و مشارکت توسط سیاستگذاران و دولتمردان می‌داند. این مقاله با توجه به فرآیند تمایز یافتگی در جامعه، شکل‌گیری خرده فرهنگها را امری اجتناب‌ناپذیر می‌داند و رویش و تقویت آنها به ویژه در بعد انجمنی و مدنی با عنایت به فرآیند انسجام و وحدت نمادین در جامعه را توصیه می‌کند.

در اینجا فرصت را مغتنم شمرده و از تمامی کسانی که مرا در تهیه این پژوهش یاری رساندند تقدیر و تشکر نمایم.

رحیمه رضایی

مقدمه :

واقع آن است که فرهنگ عمومی یکی از پر رمز و رازترین مفاهیم است و اگر بتوان مفهوم سهل و ممتنع را برای پدیده ای انسانی به کار گرفت ، عمده ترین مصداق آن فرهنگ عمومی یا در کل، فرهنگ است که هم می شود برخورد روزمره ای و ساده با آن کرد و هم می توان حق مطلب را در خصوص آن ادا کرد و سعی کرد با توجه به لایه های تو در تو، پنهانی و عمیق فرهنگ، به کنه و اعماق آن پی برد . دست یابی به اعماق فرهنگ نیز با کارهای تحقیقاتی روزمره، امکانپذیر نیست. با پر کردن چند پرسشنامه و پرسش چند سؤال از مردم که در واقع وجه سطحی و رویینی از رفتار آنها را می سنجد، به هیچ وجه نمی توان به لایه های عمیق فرهنگ عمومی پی برد و اگر می خواهیم برنامه ریزی فرهنگی در خدمت اهداف متعالی جامعه داشته باشیم، بدون شناخت این لایه ها، امکان پذیر نیست.

سال هاست که درسیاست های فرهنگی کشور به ندرت شاهد نگاه کیفی و عمیق به فرهنگ هستیم و همواره نگاه غالب، نگاه کمی به فرهنگ بوده است. در هشت سال گذشته تحت عنوان توسعه فرهنگی و فرهنگ توسعه سعی کرده اند تا از بالا و از بیرون به فرهنگ نگاه کنند و برخلاف دهه اول انقلاب، آن را عقب مانده و ضد توسعه جلوه دهند. حال آنکه فرهنگ از درون باید مطالعه شود. باید در نگاه مردم، در تعبیر و

تفسیر مردم، در فهم مردم و در نحوه استدلال مردم شریک بود و این امکان ندارد جز

با ممارست های طولانی تاریخی و انتخاب روش های مطالعه مناسب.^۱

^۱ . افروغ، عماد ، فرهنگ شناسی و حقوق فرهنگی، تهران : فرهنگ و دانش. ۱۳۸۰

مفهوم تهاجم فرهنگی^۱:

تهاجم فرهنگی عبارت است از تلاش برنامه ریزی شده و سازمان یافته تمام یا بخشی از یک یا چند گروه اجتماعی- فرهنگی یا ملت یا جامعه یا تمدن و یا دولت. برای تحصیل مبانی و اصول اجتماعی، باورها، ارزش ها، اخلاقیات و رفتارهای مورد نظر خویش بر سایر گروهها و جوامع و ارائه اطلاعات انبوه به ملت ها و تغییر در نظام و ارزش هایشان به طوری که تصمیم گیری ها در کشور مورد تهاجم، منجر به تامین سیاسی و اقتصادی و ... کشورهایی بشود که از این حربه استفاده می کنند.

هدف از تهاجم فرهنگی، کنترل فرایند تصمیم گیری و شیوه اطلاع رسانی و تغییر در نظام ارزش هاست که منجر به استیلای سیاسی و اقتصادی آنها می شود. بدین ترتیب که «مهاجم فرهنگی» سعی می کند با استفاده از برتری اقتصادی، سیاسی، نظامی، اجتماعی و فن آوری به مبانی اندیشه و رفتار یک ملت هجوم آورده و با تهدید، تضعیف، تحریف و احیاناً نفی و طرد آنها، زمینه حاکمیت اندیشه، ارزش ها، و رفتارهای مطلوب خویش را فراهم آورد. اساساً کالاهای فرهنگی این گروه، دو دسته است که یکی مصرف داخلی دارد و دیگری کالاهای صادراتی است که پوچ گرایی و فساد را رواج می دهد و در واقع در اثر تهاجم این نوع اخیر از کالاها در کشورهای مقصد، فرهنگ مهاجم در این کشورها راه می یابد برای مثال می توان به ویژگی

^۱ . محمد مهدی آصفی . دنیای اسلام و تهاجم فرهنگی غرب . قم . : تبلیغات اسلامی . ۱۳۸۰ ص ۲۵

اخلاق کار اشاره نمود که هیچ گاه به کشورهای مورد تهاجم منتقل نشده است. این ترویج از طریق زور نیست بلکه با بهره گیری از قوانین بازتابهای شرطی است که انسان بر طبق آن به محرک های خارجی پاسخ می دهد.

بنابراین، تهاجم فرهنگی به مفهوم نفی هویت فرهنگی و ملی کشور مورد هجوم، برای برقرار کردن سلطه فکری و فرهنگی از طریق تغییر باورها، رفتارها، روش ها و آداب و رسوم زندگی فردی و اجتماعی آن ملت، منطبق با الگوریتم های فرهنگ مهاجم خواهد بود.

خرده فرهنگ ها^۱

در درون هر فرهنگ الگوهای متنوعی قابل مشاهده است که جامعه و شناختی به آنها «خرده فرهنگ» می گوید. خرده فرهنگ، فرهنگ بخشی از جامعه است که در عین اینکه با فرهنگ کل جامعه پیوند دارد، دارای ویژگی های منحصر به خود نیز می باشد. تنوع خرده فرهنگ ها که گاه توأم با تعارض با یکدیگر نیز هست می تواند زمینه ساز تهاجم فرهنگی باشد. اگر تمدن و مدنیت پذیری را مجموعه ای از اندوخته های معنوی و مادی جامعه بدانیم خرده فرهنگ ها بخشی از مدنیت و تمدن جامعه را شامل می شوند که اسباب گسست فرهنگی را فراهم می آورند.

^۱ محمد مهدی آصفی. دنیای اسلام و تهاجم فرهنگی غرب. قم. : تبلیغات اسلامی. ۱۳۸۰ ص ۲۶

ویژگی های تهاجم فرهنگی در جامعه دارای دو بعد سخت افزاری یا ساختاری (اسباب تهاجم فرهنگی) و بعد کارکردی (شامل زمینه های بروز تهاجم فرهنگی) است. بعد کارکردی دارای دو بخش است که بخش دوم آن نیز به شرح زیر دارای تقسیماتی است:

۱- خانواده

۲- جامعه

۱-۲- کودکان (دختران ، پسران)

۲-۲- نوجوانان (دختران ، پسران)

۳-۲- جوانان (دختران، پسران)

۴-۲- جامعه زنان (مادران)

۵-۲- جامعه مردان (پدران)

هر یک از این زیر گروهها دارای خرده فرهنگ هایی هستند که عموماً در تعارض با یکدیگر عمل می کنند. حوزه تأثیر پذیری تهاجم فرهنگی از طریق خرده فرهنگ ها را می توان در عدم دستیابی به عزم و وحدت ملی بازشناخت.

تهاجم و تبادل فرهنگی

فرهنگ در وجه پویایی و خلاقیت، کارکردهای متفاوتی دارد. تبادل و تعامل فرهنگی از جمله این کارکردهاست. آنچه ما تهاجم فرهنگی می خوانیم، وجهی خاص از کارکرد ویژه یک فرهنگ در برابر فرهنگ دیگر است، وجهی که در آن فرهنگ مهاجم با تلاش برای تسلط بر فرهنگ مورد تهاجم، فرایند دو سویه تعامل را به کشمکش مخرب بدل می کند. کارکرد این فرایند به لحاظ تبیین یکی از ویژگی های مهم فرهنگ ها، یعنی تبادل و تعامل بهتر شایان درک خواهد بود.^۱

- تبادل فرهنگی، آموختن و فراگرفتن انتخابی پاره ای از اندیشه ها و رفتارها از فرهنگ های دیگر به وسیله عموم از افراد یک جامعه است.

- در تبادل فرهنگی، هدف بارور کردن و کامل نمودن فرهنگ ملی است، ولی هدف تهاجم فرهنگی، تسلط بر فرهنگ دیگر و خود باخته و دنباله رو نمودن آن و احیاناً از بین بردن فرهنگ دیگر است.

-تبادل فرهنگی، با آگاهی و اراده است، ولی تهاجم فرهنگی با تحمیل خود آگاهانه یا ناخودآگاهانه انجام می شود.

^۱ همان منبع ص ۲۸

- در تبادل فرهنگی، فرهنگ‌ها گیرنده عناصر مطلوب فرهنگی یگدیگرند، اما در تهاجم فرهنگی، فرهنگ مهاجم، هنجارها، باورها و ارزش‌های خود را که در فرهنگ مورد تهاجم نامطلوبند بر فرهنگ مورد تهاجم تحمیل می‌کند.

- تبادل فرهنگی، با اتکا به نقاط قوت فرهنگ‌ها انجام می‌شود، اما تهاجم فرهنگی با اتکا به نقاط ضعف مورد تهاجم و نقاط قوت فرهنگی مهاجم به وقوع می‌پیوندد.

در زمینه شناسایی مرز میان تبادل فرهنگی و تهاجم فرهنگی، چگونگی انتخاب و تعیین، اصول زیر، نقش محوری دارد:

۱- اصل گزینش

این سؤال از دیر باز روی اندیشمندان غیر غربی بوده است که در برابر فرهنگ‌های بیگانه چه موضعی باید اتخاذ کرد؟ گروهی که شیفته فرهنگ جدید اروپایی بوده‌اند، حتی بعضاً با نیت خدمت به مردم و کشور خویش، تسلیم بی‌چون و چرا و استحاله کامل در فرهنگ غربی را توصیه کرده‌اند و گروه دیگر، خزیدن به کنج انزوا و محبوس نمودن خود در حصار جزمیت را توصیه نموده‌اند. اما راه صحیح آن است که آنچه مفید و مثبت است را به فرهنگ خودی جذب کرد و در عین حال از آفات و ناهنجاری‌های فرهنگ‌های دیگر پرهیز نمود. تشخیص خوبها و بدها نیز، باید بر اساس معیارهای ارزشی فرهنگ خودی سنجیده شود. البته آنچه در فرهنگ خودی

قابل ذکر است اینکه در فرهنگ خودی نیز می تواند ارزش های منحطی وجود داشته باشد. رژیم قبل نیز از طریق برخی اقدامات ظاهری و مضحک سعی داشت نشان دهد که حافظ فرهنگ خودی است.

۲- اصل تحصیل و جذب

گزینش ویژگی های مثبت فرهنگ های دیگر، به تنهایی نمی تواند نقشی موثر در بالندگی و رشد فرهنگ ایفاد کند. از طرف دیگر، اتکای صرف به گزینش مزبور، فرهنگ را آسیب پذیر خواهد ساخت. پس از گزینش یک جزء فرهنگ دیگر باید آن جزء تجزیه و تحلیل و سپس سنخیت آن با فرهنگ خودی سنجیده شود تا بتوانند در مجموعه فرهنگ خودی ثبوت و قرار یابد.

۳- اصل تولید فرهنگی

سومین اصل در نظریه تعامل فرهنگی، تولید فرهنگی است. یعنی فرهنگی بالنده است که علاوه بر پاسخگویی به سئوالات موجود سؤال ساز نیز می باشد. در این مقام، فرهنگ از حالت «واکنشی» صرف خارج و به جایگاه «کنشی» صعود می کند. با توجه به سه اصل فوق در تعامل فرهنگی، در می یابیم که تعامل گزینش حذف یا تسلیم در برابر فرهنگ بیگانه نیست بلکه فرایندی است که در آن فرهنگ خودی با توجه به غنای درونی خویش و با در نظر داشتن نیازهای خود، جزئی از فرهنگ بیگانه

را گزینش و تحلیل کند و آن را در قالب یک باز تولید فرهنگی همگون و هم سنخ با ماهیت خود به کار گیرد. اما اگر هر یک از این سه اصل و یا جملگی از جریان تعامل خارج شوند و قدرت فرهنگی فرهنگ بیگانه در این داد و ستد، اعمال و حاکم شود، پدیده ای شکل می گیرد که آن را «تهاجم فرهنگی» می نامیم.

فرهنگ مهاجم، فرصت گزینش، شناخت و تجزیه و تحلیل مواد تشکیل دهنده خود (ارزش ها، مبانی، معیارها و ...) را به فرهنگ مورد تهاجم نمی دهد، بلکه با برخورداری از قدرت تهاجمی خود، ارزش ها و معیارهایی را بر آن تحمیل می کند که گاه حتی در حیطه سرزمین خودش نیز فاقد مطلوبیت و مشروعیت است.

تعامل فرهنگی، عاملی در جهت رشد شکوفایی و غنی شدن فرهنگ هاست. ولی هجوم فرهنگی، ارزش ها و معیارهای مذهبی و ملی فرهنگ مورد هجوم را از ساخت آن زدوده و یا تضعیف می کند و فرهنگی با ارزش های مغایر و متضاد با گذشته جانشین می سازد.

هدف هجوم فرهنگی، کمرنگ کردن و در صورت امکان، هدم و نابودی باورها و ارزش های فرهنگی و جانشینی ارزش های مورد نظر خویش است. در حالی که تعامل فرهنگی غنای فرهنگ های متعامل را افزایش میدهد و با آشنا نمودن فرهنگ ها با یکدیگر، افق های دید آنها را وسعت می بخشد و آنها را رساتر می سازد. تهاجم

فرهنگی با انگیزه ایجاد دگرگونی های مطلوب در بخش های اساسی فرهنگ مورد
تهاجم و شناختها، باورها، ارزش ها، گرایشها، رفتارها و کردارها) صورت می گیرد.
بنابراین وقتی که فرهنگی از وجه تعامل با فرهنگ های دیگر خارج شود و از راههای
اعمال قدرت، چون غالبیت سیاسی یا اقتصادی و در نهایت با قدرت فرهنگی سعی در
تحمیل ارزش های خود به فرهنگ دیگر نماید کارکرد فرهنگ غالب را «تهاجم
فرهنگی» نامند. هدف تهاجم، ترویج بخشی منحط و غیرکارآمد از فرهنگ است. اگر
مصادق یک تهاجم استیلای فرهنگی برتر بر فرهنگی منحط باشد پسندیده است مانند
انچه در صدر اسلام مسلمین انجام دادند .

مراحل و ابعاد تهاجم فرهنگی^۱

۱- شناخت ملت ها

طبیعی است که نفوذ در هر جامعه و بهره برداری بیشتر و بهتر از آن و تربیت هر ملت به صورت دلخواه مستلزم شناخت زبان، تاریخ و جغرافیا، آداب و رسوم آن جامعه و آگاهی از روحیات و خصلت ها و باورها و اعتقادات آن ملت است. از این رو کشورهای سلطه گر برای پیشبرد اهداف خود مجبورند وضع گذشته و حال جوامع مورد نظر را مطالعه کنند و در این راه از علوم گوناگون به خصوص علوم اجتماعی و جامعه شناسی بهره جویند.

مهاجمان فرهنگی به تجربه دریافته اند که برای گشودن زمینه تسلط بر ملت ها باید در وهله اول فرهنگ آن جوامع را مطالعه کنند و شناخت جامعه شناسانه و روان شناسانه قوی از مردم آنها بدست آورند. این ویژگی تهاجم، اصلی ترین شناسه توسعه طلبی و فرهنگ ستیزی نظام سرمایه داری است که در راس مهاجمین به فرهنگ سایر ملل، فعال است.

۲- بی هویت کردن و از خود بیگانه ساختن ملت ها

برای اینکه ملت ها وابستگی به فرهنگ سرمایه داری را بپذیرند و تقلید و پیروی از الگوهای آن را از ضروریات اجتناب ناپذیر زندگی خود بدانند، لازم است که احساس

^۱ . سایت نمایه ۲۰۰۰، تهاجم فرهنگی/ تهاجم فرهنگی و راهکارهای مبارزه با آن

کنند خود چیزی ندارند و یا آنچه دارند، بی ارزش و غیر مفید است. این خود کم بینی و احساس نیاز سبب می شود دست نیاز به سوی دنیای سرمایه داری دراز کنند و برای جبران عقب ماندگی و رسیدن به قافله تمدن فرهنگ سفارشی آنها را بپذیرند؛ لذا برای ایجاد آن احساس نیاز نظام سرمایه داری اقدام به بی اعتبار ساختن فرهنگ بومی و از خود بیگانه ساختن ملت ها می کند و برای دستیابی به این هدف از راهها و ابزارهای گوناگونی بهره می گیرد، که مهم ترین آنها به قرار زیر است:

۱-۲- تضعیف باورها و اعتقادات مذهبی:

رفتار انسان محصول اندیشه و بینش اوست که مجموعه جهان بینی، رفتار و انکار انسان را شکل می دهد. در جامعه اسلامی هر فرد مسلمان بر اساس جهان بینی و اعتقادات و باورهای مذهبی خویش رفتار می کند و مهاجم فرهنگی درصدد است این باورها را تضعیف و تخریب نماید.^۱

۲-۲- بی ارزش ساختن ارزش های اخلاقی و ترغیب به رها شدن از قیود

مهاجمان فرهنگی از راه طرح و ترویج اندیشه ها و نظریاتی که مبانی و ریشه ارزش ها و اخلاق را می سوزاند، مانند دنیا گرایی، رفاه طلبی و مصرف گرایی، آزادی بی قید و نسبی بودن ارزش های اخلاقی که معمولا با ابزار هنری و ادبی انجام می گیرد و

^۱ همان منبع

همچنین با گسترش فساد و فحشا از طریق تئاتر، سینما، تلویزیون، ماهواره و مجلات و نظایر آن، تلاش کرده اند تا عملاً اخلاق را از جوامع بزدایند.

۳-۲- تحقیر و تحریف تاریخ

فرهنگ هر جامعه ریشه در تاریخ آن جامعه دارد و تاریخ هر ملت، شناسنامه و حافظ هویت و اصالت آن است. از این رو، سلطه گران برای به اجرا درآوردن مقاصد خود و تجمیل فرهنگ دلخواه خویش، دست به تحقیر و تخریب تاریخ ملت ها می زنند در این راستا تا جایی که بتوانند، این ملت ها را بی تمدن و تاریخ و خود را دارای تمدن باستانی و با سوابقی روشن معرفی می کنند. در حالی که مردم جوامع از تاریخ خود بی خبر و یا به آن بی توجه اند. آموزش تاریخ خود را برای آنان ضروری و مهم جلوه می دهند و چنین القا می کنند که چون تاریخ آنها اهمیتی ندارد و در تمدن و پیشرفت نقشی نداشته است شایسته نیست مورد مطالعه و آموزش قرار گیرد. به همین علت کودکان و نوجوانان جوامع تحت سلطه تاریخ و قهرمانان کشورهای سلطه گر را به خوبی می شناسند ولی از تاریخ و نقطه های عطف تاریخی شان و دانشمندان و قهرمانان جامعه خود اطلاعی ندارند و اگر هم اطلاعی داشته باشند نادرست و نامنظم است. سلطه طلبان اگر دریافتند که تاریخ ملتی به قدری پرآوازه است که نمی توانند آن را از مردمش بستانند، دست به تحریف تاریخ آن ملت می زنند و بخش های کم

اهمیت آن را مهم و با عظمت نشان می دهند تا از قسمت های مهم و اصل تاریخ خود غافل بمانند.

۴-۲- تخریب و نفی هویت ملی

پیوندهای ملی و بومی سبب پایداری جامعه و ایجاد هویت واحد می شوند. بی هویت جلوه دادن اقدام و یا ایجاد تفرقه های فرهنگی- زبانی، موجب گسستگی پیوندهای اجتماعی را فراهم می آورد و هویت ملی و فرهنگی را خدشه دار می سازد. دشمنان سعی می کنند به روش های گوناگون این ویژگی ها را از هم متمایز و در مقابل یکدیگر قرار دهند. یکی از ترفندهای قدیمی مهاجمان در سده های اخیر ایجاد تفرقه های قومی قبیله ای و مذهبی است. آنان با ایجاد و تقویت جریان های انحرافی و نیز حمایت از تشکل های وابسته در زمینه های اقتصادی، فرهنگی، سیاسی و اجتماعی سعی در برهم زدن وحدت و یکپارچگی جامعه دارند.

۵-۲- تخریب الگوها و اسوه های خودی:^۱

انسان ها و به ویژه جوانان برای تنظیم چگونگی حیات فردی و اجتماعی نیازمند الگو هستند. الگوها هر چه بیشتر با فرهنگ خودی سازگار باشند، رفتار اجتماعی جامعه از هم سوئی و هماهنگی بیشتری برخوردار خواهد شد. مهاجمان فرهنگی با درک این نیاز، سعی در تخریب الگوهای مذهبی و ملی دارند و تلاش می کنند با استفاده از امکانات و ابزارهای تبلیغی نظیر فیلم های تلویزیونی و سینمایی، برنامه های ماهواره ای کتب و مجلات و نشریات و حتی تبلیغات تجاری و اقتصادی، الگوهای منطبق با فرهنگ خویش را بسازند و در بین گروههای مختلف جامعه رواج دهند. تاریخ جوامع اسلامی به ویژه جامعه شیمی ایران مملو از شخصیت های علمی، اجتماعی و مبارزاتی است که هر یک به نوبه خود می توانند الگوهای سازنده ای برای جامعه باشند الگو پذیری بعضی از جوانان از نوع و طرح لباس آرایش مو، رفتارهای اجتماعی لوازم مصرفی بیگانگان و غیره نمونه ای از هجوم فرهنگی بیگانه است.

^۱ سایت نمایه ۲۰۰۰ / تهاجم فرهنگی / سیاست های مقابله با تهاجم فرهنگی

۶-۲- ترویج خط و زبان بیگانه

خط و زبان، دو نمود از هویت ملی هر جامعه و عامل پیوند اجتماعی به شمار می روند. از طریق این دو وسیله ارتباطی، پیامها مبادله می شوند و موارث فرهنگی از نسلی به نسل دیگر انتقال می یابند. خط و زبان فارسی که خود یکی از مفاخر ادب بشری است، طی قرون متمادی و بیش از هزار سال با فرهنگ اسلامی درآمیخته و هویت اسلامی- ایرانی یافته است. مهاجمان فرهنگی سعی در بی اعتبار کردن این میراث گرانبها دارند و در صدد ترویج خط و زبان خویش هستند. از این رو تلاشی که در بعضی از کشورهای منطقه به منظور محو آثار فارسی از زبان های بومی صورت می گیرد، در همین زمینه است. حذف واژه های عرب و تزریق واژه های انگلیسی و فرانسوی به زبان فارسی در زمان گذشته را نباید اتفاقی تلقی کرد. متأسفانه کماکان عده ای سعی دارند با استفاده از واژه ها اصطلاحات بیگانه در گفتگو ها مکتوبات، دانسته یا ندانسته این ترفند دشمن را رواج می دهند. در کنار این خطر، باید به این مسئله وقوف داشت که در دنیای معاصر زبان انگلیسی یک زبان علمی است.

۷-۲- تحقیر استعداد و توان مردم

اگر مردم نیرو و استعدادهای خدادادی خود را بشناسند و باور کنند، دیگر دست نیاز به سوی بیگانه دراز نخواهند کرد. دشمنان برای این که این دست همیشه دراز بماند

و این احساس نیاز تداوم یابد توانایی ها و استعداد های مردم و به ویژه جوانان را تحقیر و در بسیاری موارد سرکوب می کنند

۸-۲- تعارض علم و دین

مهاجمان فرهنگی برای القای شبهات عقیدتی، بزرگ نمایی مشکلات فکری، غافل نمودن از مبانی استدلالی و منطقی، ترویج سطحی نگری از یک سو و تحجر گرایی از سوی دیگر و در نتیجه آسیب پذیری عقیدتی و جز آن، در تلاشند تا ارزش تعالیم و باورهای اسلامی را خدشه دار سازند و تعلیمات آن را در پاسخگویی به نیازهای فکری - فرهنگی جدید نسل جوان در عصر حاضر ناتوان جلوه دهند.

۹-۲- ناکارآمد نشان دادن دین:

یکی از شبهات عقیدتی، مطرح کردن مسئله ناکارآمد بودن دین در امر حکومت است، که شبهه ای قدیمی و نشأت گرفته از تفکر جدایی دین از سیاست است. حال آن که در مکتب اسلام دین و دولت، دنیا و آخرت، همانند عقل و دین ملازم و قرین اند. ملازمی که در تفکر غربی انکار شده است.

در اسلام رهبری دینی و سیاسی در بسیاری از مقاطع و به ویژه در صدر اسلام، یکی بوده است. به خصوص که علاوه بر وظایف اساسی دولت اسلامی در خصوص تامین نظم و آرامش و تنظیم روابط اجتماعی فراهم آوردن مقدمات تعالی روحی و سعادت

معنوی جامعه نیز بر عهده حکومت اسلامی نهاده شده است. اما سکولاریسم به صورت ابزاری، ایده جدایی دین از سیاست یا ناکارآمد بودن دین در امر حکومت را القا و تبلیغ می کند و غربزدگان در کشورهای مسلمان و به ویژه ایران میز همین اندیشه را رواج داده اند.

۲- تحمیل فرهنگ

بدیهی است مردمی که از فرهنگ خود دور شوند و یا از انتساب به فرهنگ و تمدن و تاریخ خود احساس حقارت کنند، در پذیرش و قبول هویت فرهنگی جدید، آمادگی بسیار دارند، در این هنگام است که مهاجم فرهنگی، فرهنگ دلخواه خود را با وسایل گوناگون و به وسیله تبلیغات فراوان و ظاهری آراسته و فریبا در بین مردم می گستراند تا به تدریج مردم با ارزش ها، معیارها و عقاید مورد نظر او، خو بگیرند و فرهنگ وارداتی در آنها پدیدار شود. اهم روش ها و ابزارهایی که دشمن به این منظور استفاده می کند عبارتند از:

۱-۳- آموزش

سردمداران تمدن و فرهنگ غرب، پس از آنکه حضور مستقیم و بی واسطه خویش را در سایر کشورها به منظور گسترش نفوذ و سلطه اقتصادی، سیاسی، اجتماعی، ممکن و مقدور ندیدند سعی کردند نمایندگانی از بین خود ملت ها برگزینند و مسئولیت

فراهم آوردن زمینه سلطه پذیری را به آنان واگذار کنند که اکثر غربزدگان خود باخته در جهان اسلام عهده دار این وظیفه شدند. آنان که معمولاً پس از مسافرت به غرب و تحصیل و حشر و نشر در آن دیار مقهور پیشرفت و فن آوری برتر غرب می شدند پس از بازگشت به کشور خویش به بلندگوی فرهنگ بیگانه تبدیل می گشتند. از طرف دیگر در پی پذیرش باورهای علمی، به ویژه باور برتری دانش تجربی و همچنین اخذ دانش تجربی از غرب به علت ناسازگاری شیوه های تحصیل دانش جدید با شیوه های دستیابی به دانش قدیم شیوه های تحصیل دانش قدیم مورد انتقاد قرار گرفت و به دنبال آن الگوهای جدید مطرح و فراگیر شدند. الگوهای یاد شده هم از نظر سازمانی و هم از نظر شیوه های آموزش اشاعه یافت و کمک موثری به تحقق و شکل گیری پدیده تهاجم فرهنگی نمود.

۲-۳- تبلیغات^۱

اگر تبلیغات را مهم ترین سلاح نظام سلطه به منظور نفوذ فرهنگی در جوامع بدانیم، چندان مبالغه نکرده این اهمیت تبلیغات را از حجم عظیم سرمایه گذاری هایی که در این زمینه شده است می توان دریافت. امروز سلطه طلبان از آخرین پیشرفتهای روانشناسی و پیشرفته ترین دستاوردهای صنعتی برای تبلیغات رنگارنگ خود سود می جویند. شبکه های ماهواره ای همچون تار عنكبوت فضای پیرامون کره زمین را

^۱ سایت نمایه ۲۰۰۰، تهاجم فرهنگی (سیاست های مقابله با تهاجم فرهنگی)

احاطه کرده اند. با تبلیغ کاهی را کوهی و کوهی را کاه و حق را ناحق و ناحق را حق جلوه می دهند. از سوی دیگر پخش یک سویه گزارش های خبری از طریق خبرگزاری های خارجی و شبکه های رادیویی و تلویزیونی سراسری غربی نمایش مداوم فیلم های سینمایی و مجموعه ها و کارتون های تلویزیونی امریکایی ، اروپایی و ژاپنی و نظایر آنها در انتقال نمادها و ارزش ها و شیوه های زندگی فریبنده جوامع سرمایه داری، نقش های اصلی را ایفا می کنند.

۳-۳- ارتباطات

در قرن حاضر چشم گیر ترین پیشرفت های فن آوری در عرصه ارتباطات رخ داده است . به واسطه این پیشرفت ها افراد بشر به آسانی می توانند در کمترین زمان ممکن با یکدیگر ارتباط برقرار کنند و بر روی انکار و شکل زندگی یکدیگر تاثیر بگذارند و ان را دگرگون سازند این ویژگی. رسانه های ارتباطی را ابزار دست مهاجمان فرهنگی قرار داده است. تا به واسطه آن بر ذهن و دل انسانها تسلط پیدا کنند و تعیین کنند که انسانها باید به چه فکر کنند. از چه واقعه ای مطلع شوند چه بپوشند. چه بخورند و چگونه زندگی کنند در حالی که مردم جهان سوم از وقایع پیرامون محل زندگی خود اطلاع ندارند. با نام های روسای جمهوری امریکا هنر پیشگان هالیوود و خوانندگان غربی به خوبی آشنا هستند. به واقع بمباران خبری و تبلیغی بدون وقفه با

استفاده از دستاوردهای پیشرفته فن آوری ارتباطی مانند ماهواره و ویدئو بسیاری از مردم کشورهای غیر پیشرفته را از هویت خود بیگانه کرده و در ایمن و اعتقاد آنها به فرهنگ بومی و سنت های خودی خلل وارد ساخته است. از طریق دو دسته اطلاعات جاری و تاریخی در تصمیم گیری های ملی ملاحظه صورت می گیرد. این امر گاه حتی مسئولان یک کشور را نیز به سمت تصمیم گیری های ملی ملاحظه صورت می گیرد. این امر گاه حتی مسئولان یک کشور را نیز به سمت تصمیم گیری های هدایت می کند که به نفع خود است و در عین حال مسئول احساس آزادی و استقلال و کرامت انسانی نیز می نماید مکان بارز این رویکرد مسئولین فرهنگی جامعه ما نسبت به موسیقی پاپ است.

۴-۳- انتشارات

انبوه انتشارات گوناگونی که در صدها هزار نسخه چاپ و منتشر می شود اهمیت و تاثیر آن را در شکل گیری فرهنگ عمومی مردم نشان می دهد. تاثیر تبلیغات غیر مکتوب یا شفاهی بر مخاطبان فوری است ولی انتشارات بر خوانندگان نفوذی دیر پا و ماندگار دارد و به همین لحاظ اهمیت بیشتری نیز دارد در این روش می توانند مفاهیم مورد نظر در قالب داستانهای شیرین و جذاب درآید و با کیفیت مطلوب و عکس ها و طرح های زیبا و با تعدادی وسیع در اختیار علاقه مندان قرار گیرد. برای نمونه به

انتشار کتاب آیات شیطانی در طرح ها و اندازه های گوناگون و با زبانهای متفاوت اشاره کرد انواع برگه های تبلیغاتی که همراه کالاها وارد کشور می شوند یکی دیگر از ابزارهای نفوذ و القای فرهنگ بیگانه است اولین تاثیر منفی آن ورود تعداد زیادی واژه و اصطلاح بیگانه به زبان فارسی است یعنی ورود کالاهای خارجی به خودی خود، حامل فرهنگ بیگانه است.

۵-۳- تحقیقات^۱

پژوهش هایی که کشورهای غربی درباره جوامع شرقی به ویژه جوامع اسلامی انجام می دهند همواره به منظور کشف حقایق و خدمت به جهان اسلام نیست بلکه بسیاری از این پژوهش ها برای شناخت نقاط قوت و ضعف این جوامع و یافتن راههای نفوذ و رخنه در آنهاست.

از این روست که گاهی بودجه تحقیقاتی مستشرقان از طریق مراکز دفاعی و نظامی یا سیاسی پرداخت می شود نه دانشگاهها و مراکز علمی بنابراین یکی از بهترین و مطمئن ترین راههای القای فرهنگ بیگانه انتشار نتایج بعضی از این پژوهش ها توسط مهاجمان فرهنگی است.

عوامل درونی سلطه پذیری فرهنگی یا پذیرش تهاجم فرهنگی

^۱ نشریه فرهنگ عمومی/ شماره ۲۶ / نامه ۱۲۴ / بازایی / ۷۶

تبادل و برخورد فرهنگی بین جوامع مختلف امری طبیعی و اجتناب ناپذیر است. تنویر افکار و رشد فرهنگی جامعه در پرتو تبادل فرهنگی با دیگران قابل حصول است. ولی اگر جامعه ای از درون تهی و آسیب پذیر شد تبادل فرهنگی تبدیل به تهاجم فرهنگی می شود ضعف و ناتوانی و آسیب پذیری در درون فرهنگ هر جامعه است که زمینه پذیری را فراهم می سازد عوامل درونی سلطه پذیری اعم از فرهنگی و غیر فرهنگی را باید شناسایی و مرتفع کرد تا زمینه آسیب پذیری به حداقل برسد. به طور معمول خلا فرهنگی زمینه مساعدی برای تهاجم فرهنگی است اگر اندیشه اسلامی موجود و دستاوردهای فکری انقلاب اسلامی نتواند نیازهای فکری و فرهنگی افراد جامعه به ویژه افراد جامعه به ویژه نسل جوان و تحصیل کرده و تشنه حقیقت و انسانیت را پاسخ دهد میدان برای هجوم فکری و تبلیغی غرب باز می شود عوامل درونی آسیب پذیری را می توان در سه حوزه کلان نظری و ساختاری و برنامه ریزی اجرا دسته بندی کرد:

حوزه اول- آسیب پذیری های ناشی از مشکلات نظری

۱- آسیب پذیری در فهم و درک مسائل فرهنگی و هنری بین صاحب نظران غیر حکومتی و مسئولان نظام که موجب تعارض در معیارها و ارزش های فرهنگی جامعه شده است.

۲- عدم تعمیق بینش دانش و تربیت دینی به عنوان مبانی فرهنگ و اندیشه ملی

۳- تعارض نظریه فقهی در مرجعیت یا نظریه مرجعیت حاکم

۴- عدم تبیین دقیق و همه جانبه اندیشه های مختلف

۵- پاسخ ندادن استادان و صاحب نظران حوزه و دانشگاه و مراکز تحقیقاتی به

نیازهای نظری و فکری جامعه .

۶- عدم تبیین مبانی و سیاست های اصول نظام در عرصه فرهنگ و هنر و (ادبیات ،

فیلم، تئاتر و ...)

۷- تفکر انفعالی جامعه علمی و فنی کشور در برابر غرب و تاثیر پذیری فرهنگی ناشی

از آن .

۸- وجود بنیان های فکری مبنی بر ناکار آمدی نظام حکومت مبتنی بر دین

۹- عدم شناخت دقیق و عمیق غرب در ایران و روی آوردن به سطوح ظاهری آن

۱۰- بی توجهی به گذشته تاریخی کشور در مسیر شناخت و برنامه ریزی حال و آینده

۱۱- عدم ارتباط نظام مند معرفتی بین حوزه و دانشگاه در جهت حل مشکلات فکری

و بینشی عقیدتی.

۱۲- حوزه دوم- آسیب پذیری های ناشی از اشکالات یا ویژگی های ساختاری

الف- فرهنگی

۱- فقدان الگوی فرهنگی در سطوح مختلف فرهنگی

۲- وجود ضعف های جدی در نظام تعلیم و تربیت

۳- یکسان پنداری عملکرد مدیران، روحانیون و اسوه های فکری با ارزش های دینی

و دامن زدن به این باور در نگرش عمومی.

۴- عدم وجود الگوی تبیینی برای تعمیق ارزش ها و باورهای دینی در جامعه

ب- اجتماعی

۱- نارسایی در گستره عدالت اجتماعی

۲- مطلق گرایی در تحقق و تامین ایده آل ها و ارمانها بدون توجه به واقعیات موجود.

۳- ناهمگونی نهادهای اجتماعی و تداخل در وظایف

۴- فقدان پیوند مستحکم بین نهادهای اجتماعی و اقشار گوناگون مردم

۵- جوان بودن جمعیت کشور

ج - اقتصادی

۱- نارسایی در گستره نظام اقتصادی مبتنی بر دین.

۲- عدم توجه به اقتصاد بومی و منطقه ای در فرایند نوسازی اقتصادی

۳- نارسایی ر رویکرد اقتصاد و فرهنگ و هنر کشور.

د- سیاسی

۱- آمیختگی مصالح فرهنگی نظام با منافع گروهها

۲- تسلط بعضی خرده فرهنگ ها از طریق سیاسی بر فرهنگ ملی در تاریخ کشور.

۳- کم توجهی به نظرات مردم در تصمیم گیری های سیاسی

۴- نقش تخریب متقابل جناح های سیاسی (گرایش های مختلف سیاسی در مجموعه

طرفداران نظام) که نتیجه اش اجماع مرکب بر ناتوانی و ناکارآمدی و حتی فریبکاری

نظام است.

۵- قطبی شدن فضای سیاسی کشور (قطب های افراطی) و تضعیف فضای اعتدال و

عقلانیت و صمیمیت

حوزه سوم- آسیب پذیری های ناشی از اشکالات برنامه ریزی- اجرا

۱- فقدان نظام ارزیابی عملکرد فرهنگی دستگاهها و نهادهای رسمی و غیر رسمی

۲- عدم توجه به سیاست های مصرف فرهنگی نظام جمهوری اسلامی

۳- کم توجهی به فرهنگ در نظام برنامه ریزی کشور

۴- عدم شناخت کافی از نیازهای فرهنگی جامعه

۵- عدم توجه به نیازهای فرهنگی جامعه

۶- توزیع نامناسب امکانات فرهنگی

۷- کم توجهی به نیازهای طبیعی و جدید جامعه به ویژه طبقه جوان در برنامه ریزی های فرهنگی.

۸- تضعیف یا عدم توجه به نهادهای فرهنگی سنتی (مانند کانون ها و هیئت های مذهبی و ...)

۹- وجود آثار نسبتاً عمیق سیاست های فرهنگی دوران گذشته و به ویژه دوران پهلوی

۱۰- تغییرات مکرر در سیاست گذاری و جهت گیری های سازمانی

۱۱- فرایند جهانی شدن و عدم جلوگیری از آثار مضر آن در فرهنگ خودی

سیاست های مقابله با تهاجم فرهنگی^۱

الف- سیاست های کلی

۱- مشخص کردن نقاط تهدید و مورد هجوم

۲- تعمیق شناخت و باور دینی

۳- اصلاح رفتار مدیران

۴- ترویج و گسترش معرفت و ارزش های اسلامی- ایرانی و انقلاب اسلامی و

رسوخ در قلوب

^۱ محمد مهدی آصفی- دنیای اسلام و تهاجم فرهنگی غرب . قم : تبلیغات اسلامی ۱۳۸۰ ص ۵۰

۵- ایجاد زمینه های مناسب برای شناسایی و هدایت استعدادها و حمایت از خلاقیت

های انسانی و کوشش برای شکوفا شدن روحیه ابداع هنری و نوآوری در حوزه های

مختلف

۶- تلاش هر چه بیشتر برای برقراری عدالت اجتماعی

۷- اهتمام به آراستگی سیمای جامعه به مظاهر اسلام و انقلاب اسلامی

۸- رعایت اصول و ارزش های اسلامی - ایرانی در برنامه ریزی های توسعه کشور

۹- سازماندهی و هماهنگ کردن فعالیت های فرهنگی نهادها و دستگاههای فرهنگی

کشور

۱۰- تلاش در جهت قانونمندی بیشتر در فعالیت های فرهنگی و معنوی

۱۱- ایجاد زمینه های رشد کمی و کیفی آثار و خدمات فرهنگی و بهره گیری از فن

آوری مناسب روز و پویا سازی و فعال کردن عناصر فرهنگ

۱۲- فراهم آوردن امکان استفاده بهینه از آثار و خدمات فرهنگی برای عموم مردم

۱۳- گزینش و اولویت بندی بخش های مورد تهاجم

۱۴- تحکیم وحدت و هم بستگی ملی ضمن احترام به آداب و رسوم و فرهنگ های

محلی

۱۵- اهتمام به اطلاع رسانی صحیح و بارور کردن اوقات فراغت جامعه از طریق رسانه

ها

۱۶- احیا و حمایت از نهادهای فرهنگی مردمی

۱۷- توجه به بخش فرهنگ در نظام کلی برنامه ریزی توسعه کشور

۱۸- ارزیابی و بازشناسی مستمر سیاست ها، معیارها و ضوابط فعالیت های فرهنگی

در بخشهای مختلف

۱۹- اهتمام نسبت به معرفی شخصیت های تاریخی اسلام و ایران

۲۰- توجه به کارآمد بودن دین در امر حکومت و مبارزه با تفکر جدایی دین از

سیاست

۲۱- افزایش شناخت و مطالعه دقیق در زبان، تاریخ، جغرافیا، آداب و رسوم اسلامی و

ایرانی و آگاهی از روحيات و گرایش ها و باورهای مردم کشور برای برنامه ریزی

فرهنگی مبتنی بر واقعیت ها

۲۲- توجه به اهمیت و نقش ابزارهای هنری و به کارگیری شیوه ها و بیان هنری در

ترویج مفاهیم و معارف اسلامی، ایرانی و تعمیق و اصلاح فرهنگ عمومی

۲۳- ارائه الگوها و سرمشق های مناسب برای آحاد جامعه

۲۴- گسترش فرهنگ امر به معروف و نهی از منکر

۲۵- تکیه بر نیروهای مؤمن و متعهد آموزش دیده فرهنگی

۲۶- تفکیک نتایج عملکرد مدیران بخش های گوناگون از ارزش های دینی

۲۷- مشارکت و بسیج مردمی برای رسیدگی به مشکلات فرهنگی

۲۸- هماهنگی بین ارگانها و نهادها برای جلوگیری از تاثیر منفی بعضی از برنامه ها و

فعالیت های غیر فرهنگی موثر بر فرهنگ

۲۹- توسعه و گسترش زبان و ادبیات فارسی در کشور^۱

۳۰- شناخت و بهره گیری از امکانات جهان اسلام دنیای شرق برای تقویت خود و

مقابله با تهاجم

۳۱- ایجاد و توافق بر روی ابعاد فرهنگ اسلامی

۳۲- توجه و اطلاع رسانی به شخصیت ها و گروههای مرجع نسبت به پیامدهای

نامطلوب مواضع آنها

۳۳- اولویت بخشیدن به اصل مهم پاسخگویی منطقی و با سعه صدر به پرسش ها و

ابهامات به جای تخطئه سیاسی یا ارزشی

ب- راهبردهای اجرایی

۱- جوانان

۱-۱ آشنا ساختن جوانان به افکار و آراء و دیدگاههای حضرت امام خمینی (ره) و

مبانی انقلاب

۱-۲ تعمیق بینش جوان در مواجهه علمی با فرهنگ ها و مظاهر تمدن و تبادل و اشاعه

فرهنگی

۱-۳ تلاش در جهت آشنا ساختن جوانان با جنبه های مثبت فرهنگی اقوام و ملت ها

و تمدن ها و وجوه اشتراک و افتراق ان با فرهنگ خودی

۱-۴ تشویق جوانان نسبت به امر اسلام شناسی و ایران شناسی در مراکز علمی و

دانشگاهی و هدایت تلاش های آنان در حوزه فرهنگ و تمدن اسلامی

۱-۵ اهتمام نسبت به معرفی منابع اصیل فرهنگی اسلام و ایران به جوانان

۱-۶ نقد و بررسی، اصلاح، تصحیح و تنقیح متون و منابع و مآخذ علمی و فرهنگی

اسلام و ایران جهت تسهیل امر استفاده علمی نسل جوان

۱-۷ نیاز سنجی و بررسی تقاضای جوانان و پاسخگویی مناسب به ان از طریق ارائه

الگوسازی مناسب

۱-۸ تقویت تفکر و تعقل و قدرت نقادی و انتخاب در عرصه تلاقی و تعارض افکار

۹-۱ فراهم آوردن امکان حضور فعال و مشارکت جوانان در برنامه ها و فعالیت های

فرهنگی و اصلاح نگرش جامعه مبنی بر اعتماد و باور داشتن به توانایی ها و

شایستگی های نسل جوان

۱۰-۱ نشاط آفرینی فرهنگی از طریق ایجاد و گسترش تسهیلات ورزشی و پرورش

روح و جسم.

۱۱-۱ معرفی هنر اصیل و سازنده به جوانان

۱۲-۱ گسترش مراکز مشاوره و راهنمایی جوانان

۱۳-۱ فراهم ساختن شرایط و امکانات کافی برای مطالعه و تحقیق

۱۴-۱ ایجاد اشتغال برای جوانان

۱۵-۱ ایجاد شرایط لازم برای ازدواج جوانان

۲- آموزش و پرورش

۱-۲ تاکید بر رسالت تربیتی - علمی مراکز آموزشی و تربیت همراه با آموزش و

تربیت همراه با آموزش و تقدم امور تربیتی در آموزش و پرورش

به کارگیری شیوه های آموزشی جدید مبتنی بر پرورش اندیشیدن درست ، منطقی و

آزاد و پاسخ منطقی به سئوالات و ابهامات و ایجاد روحیه پرسش گری

۲-۳ تقویت کتابخوانی در مدارس

۲-۴ توجه به اصلاح مداوم کتابهای درسی و تکمیل آنها بر اساس نیازهای آموزشی

عصر حاضر

۲-۵ توجه به تربیت فردی و خانوادگی دانش آموزان

۲-۶ توجه و برنامه ریزی برای تربیت سیاسی- اجتماعی دانش آموزان

۲-۷ تقویت و اهتمام به آموزش مربیان پرورشی و معلمان

۲-۸ لزوم هماهنگی در فعالیت های تربیتی مدارس کشور

۲-۹ توجه به نهاد خانواده و ارتباط مستمر بین مدرسه و خانواده از طریق انجمن اولیا

و مربیان

۲-۱۰ برنامه ریزی مناسب برای غنی سازی اوقات فراغت دانش آموزان و گسترش

فعالیت های فوق برنامه مدارس

۲-۱۱ توجه به امر ورزش مدارس

۲-۱۲ تقویت مراکز مشاوره و راهنمایی دانش آموزان

۲-۱۳ تقویت تشکل های دانش آموزان در مدارس

۲-۱۴ تقویت تشکل های دانش آموزی در مدارس

۳- دانشگاهها و نظام آموزش عالی^۱

۳-۱ اهتمام در جهت نشر اندیشه های امام خمینی (ره) و مبانی نظام جمهوری

اسلامی

۳-۲ تربیت نسل انقلابی و اسلامی که پیام انقلاب را درک و با حفظ عمل به آن

موجب ماندگاری و استمرار برکات انقلاب و درون زایی ارزش های انقلابی شود.

۳-۳ اهتمام به تعامل انکار و تبادل آرا با تمسک به روش ها منطقی

۳-۴ توجه کافی به حل مسائل عصر با رجوع به معارف دینی و آراء و دیدگاههای

حضرت امام خمینی (ره) و رهبر معظم انقلاب اسلامی

۳-۵ اهتمام به تامین نیازهای فرهنگی و تقویت علمی اساتید

۳-۶ اهتمام به امر آموزش و پژوهش در علوم انسانی

۳-۷ ایجاد نظام برنامه ریزی، نظارت و ارزیابی فرهنگی و اجتماعی در دانشگاهها

۳-۸ قانونمند کردن فعالیت های فرهنگی و پشتیبانی مادی و معنوی از فعالیتهای

قانونی

۳-۹ گسترش زمینه های ارتباط دانشگاهها با دستگاهها و سازمان های فرهنگی

۳-۱۰ بهره گیری هرچه بیشتر از مشارکت دانشجویان و اساتید در تولید و اجرای

برنامه های فرهنگی

^۱ نشریه فرهنگ عمومی و شماره ۲۶ / نمایه ۱۲۴ / بازپایی ۷۶

۱۱-۳ حفظ و تعمیق پیوندهای اسلامی - ایرانی دانشجویان بورسیه شاغل به تحصیل با

اندیشمندان ایرانی در خارج از کشور

۱۲-۳ گسترش زمینه های ارتباط دانشجویان غیر حضوری و شبانه با نهادها و

سازمانهای فرهنگی

۴- حوزه های علمیه^۱

۱-۴ تبیین مبانی و نظام اجتماعی - اسلامی در ابعاد اقتصادی سیاسی، اخلاقی و

...

۲-۴ توجه بیشتر به مقتضیات و تحولات زمان و نقد و تنقیح دستاوردهای فرهنگی

جوامع بشری و استفاده از نتایج قابل انطباق با اصول و ارزش های اسلامی

۳-۴ پاسخگویی به مسائل عصر و بهره گیری توجه بیشتر به آراء و اندیشه های

حضرت امام و رهبر معظم

۴-۴ تلاش در جهت ترویج فرهنگ فراگیر اسلام و مقابله با خرافات

۵-۴ تنظیم نظام آموزشی حوزه و تقویت تحقیقاتی آن متناسب با نیازهای فرهنگی

کشور

۶-۴ تربیت نیروی انسانی متخصص متناسب با اهداف انقلاب و نظام

۷-۴ توجه بیشتر به وحدت حوزه و دانشگاه

^۱ محمد مهدی آصفی دنیا ی اسلام و تهاجم فرهنگی غرب . قم : تبلیغات اسلامی ۱۳۸۰ ص ۵۳

۸-۴ اهتمام به جذب هر چه بیشتر نخبگان فکری به حوزه های علمیه

۹-۴ برنامه ریزی برای ارتباط مستقیم با تمامی اقشار مردم

۱۰-۴ توجه بیشتر به روش های کارآمد و نوین تبلیغ و ارشاد توسط حوزه های علمی

۱۱-۴ تلاش برای هماهنگی بیشتر بین مراجع دینی و رهبری مذهبی - سیاسی

۱۲-۴ آینده نگری و جلو بودن از زمان در نظریه پردازی و تبیین آراء اسلامی

۱۳-۴ بهره گیری از هنر مشروع و موثر در تبلیغ دینی

۱۴-۴ صیانت از روش های سنتی تبلیغ، همراه با بازسازی آن

۱۵-۴ آسیب شناسی تبلیغ دینی

۱۶-۴ توجه به علم کلام و مسائل نوین آن

۱۷-۴ توجه به علوم انسانی با نگاه اسلامی

۱۸-۴ ایجاد نظام ارزیابی در تبلیغ و آثار آن

۱۹-۴ تکیه بر مردم و خود جوشی آنان در تبلیغ

۵- مساجد

۱-۵ توجه به بهسازی فیزیکی مساجد و زیبا سازی آن^۱

۲-۵ تربیت امام جماعت عالم و آشنا به مسائل روز و جوان گرا

۳-۵ همکاری در فعالیت های کمک آموزشی و تربیتی و تفریحی

^۱ محمد مهدی آصفی. دنیای اسلام و تهاجم فرهنگی غرب. قم تبلیغات اسلامی ۱۳۸۰ ص ۵۴

۴-۵ ایجاد فضای سبز مثل پارک در کنار مساجد

۵-۵ ایجاد مراکز مطالعه در کنار مساجد و فعال نمودن کتابخانه های آنها

۶-۵ تقویت کانونهای فرهنگی و هنری مساجد

۷-۵ ایجاد ارتباط بین مسجد و مدرسه در هر محل

ج- دستگاههای تبلیغی و رسانه های گروهی

۱- برنامه های فرهنگی و هنری

۱-۱ توجه نهادها و رسانه های گروهی به تولید موثر و فرهنگی

۲-۱ ترویج مفاهیم و معارف اسلامی و رعایت حد اعتدال در تبلیغ

۳-۱ تقویت روحیه تقوا و اخلاق اسلامی

۴-۱ حفظ روحیه و شور انقلابی مردم

۵-۱ هماهنگی در تبلیغ و فعالیت های رسانه ای

۶-۱ الگو سازی مناسب و توجه به سیره پیامبر (ص) و ائمه اطهار (ع)

۷-۱ نیاز سنجی مخاطبان و توزیع متناسب برنامه ها

۸-۱ بهینه سازی روز آمد کردن روش های سستی تبلیغ در عین حال استفاده از روش

ها نوین

۹-۱ فعال تر شدن تبلیغات اسلامی در نهادهای محلی فرهنگی

۱-۱۰ گسترش فعالیت های کارشناسی تبلیغات اسلامی

۱-۱۱ گسترش فعالیت های کارشناسی تبلیغات اسلامی

۱-۱۲ کمک به نهادهای مردمی برای فعال شدن روزمره در مسائل فرهنگی و فکری

۱-۱۳ گسترش اردوهای مذهبی - تفریحی در سراسر کشور

۱-۱۴ تقویت مراکز فرهنگی و هنری و کمک به افزایش تولیدات این مراکز

۲- مطبوعات

۲-۱- توسعه و تقویت خبرگزاری داخلی

۲-۲ بررسی مشکلات اجتماعی، برای یافتن راه حل های عمومی

۲-۳ روشن کردن گسل های اجتماعی و فرهنگی در چارچوب قوانین

۲-۴ ارتقاء کمی و کیفی با دستیابی به شیوه های مطلوب و جامع در انتشار اخبار و

مطالب

۲-۵ صیانت خودجوش و درون زا از ارزش های دینی و انقلابی به وسیله مطبوعات

۲-۶ جلوگیری از عوام زدگی و تکیه بر باورها

۲-۷ کمک به ایجاد ثبات برای توسعه اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی و جلوگیری از

غرب زدگی

۲-۸ نزدیک کردن نظریه های موجود در جامعه با طرح علمی و کارشناسی این

نظریات و نقد صحیح

۲-۹ بررسی راههای جلوگیری از نفوذ سیاسی، فرهنگی و اجتماعی دشمنان برای

حفظ استقلال

۳- صدای و سیما:^۱

۳-۱ افزایش پوشش جمعیتی و جغرافیایی صدا و سیما

۳-۲ هماهنگی در تصمیم گیری و برنامه ریزی فرهنگی با بخش های فرهنگی

۳-۳ تقویت ارتباط مناسب و مکمل بخش فرهنگ با مردم

۳-۴ ارتقا بخشیدن کیفیت محتوایی کلیه برنامه های صدا و سیما با ارتباط جدی و

عمیق با اساتید

۳-۵ بهره گیری از نظریات و تجربیات مسئولان امور فرهنگی و هنری و ارتباط

جمعی

۳-۶ ایجاد زمینه های مناسب برای بهره گیری مطلوب فرهنگی و هنری از اوقات

فراغت

^۱ سایت نمایه ۲۰۰۰، تهاجم فرهنگی سیاست های مقابله با تهاجم فرهنگی

۳-۷ توجه جدی جهت عملی نمودن فرمایشات امام و رهبر معظم پیرامون صدا و

سیما

۳-۸ تقویت مراکز خبری با بهره گیری از دانش فنی جدید و انتخاب شیوه های موثر

و متنوع تبلیغاتی

۳-۹ تلاش در جهت تبیین . تعمیق بخشیدن به ایمان مذهبی مخاطبان با بهره گیری از

بهترین ابزارهای هنری در کلیه برنامه های صدا و سیما

۳-۱۰ به کارگیری ابزارهای نوین و فن آوری جدید در تهیه کلیه برنامه های صدا و

سیما برای ارتقاء کیفیت تصویری برنامه ها

فهرست منابع :

- اصفی ، محمد مهدی. ترجمه تقی متقی. دنیای اسلام و تهاجم فرهنگی غرب، قم :

دفتر تبلیغات اسلامی ۱۳۸۰

- افروغ، عماد ، فرهنگ شناسی و حقوق شناسی تهران : فرهنگ و دانش ۱۳۸۰

- سایت نمایه ۲۰۰۰ ، تهاجم فرهنگی و راهکارهای مبارزه با آن

- سایت نمایه ۲۰۰۰ ، تهاجم فرهنگی. سیاستهای مقابله با تهاجم فرهنگی

- نشریه فرهنگ عمومی. شماره ۲۶. نمایه ۱۲۴ ، بازیابی ۷۶۱

- یونسکو، فرهنگ و توسعه، ترجمه نعمت ا... فاضلی و محمد فاضلی.

تهران: وزارت فرهنگ ارشاد اسلامی ۱۳۷۶

- صدا و سیما

فهرست مطالب

صفحه	عنوان
۱	پیشگفتار
۴	مقدمه
۶	مفهوم تهاجم فرهنگی
۷	خرده فرهنگها
۹	تهاجم و تبادل فرهنگی
۱۰	اصل گزینش
۱۱	اصل تحصیل و جذب
۱۱	اصل تولید فرهنگی
۱۴	مراحل و ابعاد تهاجم فرهنگی
۲۱	تحمیل فرهنگ
۲۵	عوامل درونی سلطه پذیری فرهنگی یا پذیرش تهاجم فرهنگی
۳۰	سیاست های مقابله با تهاجم فرهنگی
۳۴	راهبردهای اجرایی
۳۷	دانشگاهها و نظام آموزشی عالی
۳۸	حوزه علمیه
۳۹	مساجد
۴۰	دستگاهها تبلیغی و رسانه های گروهی
۴۲	صدا و سیما
۴۴	فهرست منابع